



جمهوری فریبکار اسلامی سالیان متمادی با لافزنی‌های پرطمطراق در خصوص توانمندیهای نظامی خود، به ویژه در گستره های موشکی، پهپادی، و دفاعی، کوشید تا تصویری از قدرت و بازدارندگی شکست‌ناپذیر را هم در اذهان عمومی داخلی و هم در مجامع بین‌المللی ایجاد کند. عناوینی چون "قدرت اول منطقه"، "برد موشک‌های ما خط قرمز ماست"، "شهرک‌های موشکی زیرزمینی کابوس دشمنان است"، و "ایران به قدرت پهپادی بلامنازع تبدیل شده" تنها گوشه‌ای از این ادبیات تبلیغاتی و دروغینی بود که با آب و تاب فراوان در رسانه‌های حکومتی تکرار می‌شده است. هدف از این لافزنی‌ها، مرعوب ساختن دشمنان فرضی و مثلاً القای حس امنیت و غرور به ملت ایران بود.

اما واقعیت تلخ تر و فاجعه بارتر از آن چیزی است که از تریبون‌های رسمی به گوش می‌رسید. در حالی که رژیم می‌کوشید با این ادعاهای اغراق‌آمیز، هازمان (جامعه) ایران را در توهم یک قدرت نظامی بی‌رقیب غرق کند، در پشت پرده، منابع مالی عظیمی که می‌توانست صرف بهبود معیشت مردم، توسعه زیرساختها، بهداشت و آموزش شود؛ جایی که حقیقتاً بنیة کشور تقویت می‌شد، به سمت جاه طلبی‌های نظامی پرهزینه و اغلب بی‌ثمر و در نهایت، به جیبهای اختلاس گران و دزدان حکومتی سرازیر شد. این لافزنی‌ها، نه تنها به تقویت واقعی کشور کمکی نکرد، بلکه بهای سنگین آنرا ملت ایران با گوشت و پوست خود پرداختند. با هر مانور نظامی، با هر رونمایی از یک "سلاح جدید" که اغلب نسخه‌های کپی یا مهندسی معکوس شده با کارایی‌های مشکوک بودند، فشار تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران فزونی می‌یافت. این تحریم‌ها، حاصل سیاستهای تهاجمی و اصرار بر برنامه‌های نظامی پرهزینه بود که **نان را از سفره مردم می‌ربود**. در نتیجه، اقتصاد کشور دچار رکود بی‌سابقه، تورم سرسام‌آور، و بی‌ارزش شدن پول ملی شد. جوانان از یافتن شغل ناامید شدند، طبقه متوسط به زیر خط فقر سقوط کرد و میلیون‌ها ایرانی برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی خود با دشواری‌های غیرقابل تصویری روبرو شدند. در کنار فقر فزاینده مردم، روی دیگر این سکه، فساد و اختلاسهای نجومی بود که در لایه‌های مختلف حکومت و نهادهای وابسته به آن، از جمله برخی بخشهای نظامی، ریشه دوانده بود. در حالی که مردم عادی برای لقمه‌ای نان می‌جنگیدند، گزارش‌های مکرر از دزدی‌های کلان، رانت‌خواری‌های بی‌حد و حصر و پرونده‌های فساد که با اعداد و ارقام حیرت‌انگیز همراه بودند، افکار عمومی را به شدت جریحه دار می‌کرد. این منابع مالی که می‌توانست به توسعه واقعی کشور کمک کند، به حساب‌های شخصی و پروژه‌های بی‌فایده و یا حتی به خارج از کشور منتقل می‌شد. این تضاد فاحش میان لافزنی‌های قدرت نظامی و فقر روزافزون مردم، به همراه فساد گسترده در بدنه حاکمیت، هرچه بیشتر مردم ما را متقاعد ساخت که با حکومتی بیگانه و ضد ایرانی سر و کار داشته و شکاف میان ملت و حاکمیت ایران ستیز را عمیق تر از هر زمان دیگری ساخت.

آتش‌پس اخیر و خساراتی که بر پیکر نظامی سپاه پاسداران وارد آمد، پرده از بسیاری از این لافزنی‌ها برداشت. مشخص شد که حجم عظیمی از این ادعاها، صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته و در رویارویی با واقعیت میدان، ضعفهای پنهان آشکار شدند. این رویداد، نه تنها به توهم "قدرت اول منطقه" بودن و قدرت نظامی شکست‌ناپذیرشان پایان داد، بلکه بار دیگر نشان داد که چگونه منابع و توانمندی‌های کشور به جای صرف در مسیر پیشرفت و رفاه مردم، قربانی جاه‌طلبی‌های پوچ و فساد دستگاه حاکمه شده‌اند. این تحولات، پرسشهای جدی‌تری را در مورد آینده کشور و مسیر پیش‌رو مطرح می‌کند؛ پرسشهایی که پاسخ به آنها می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت ملت ایران در مبارزات ملی آنان در آینده ایی نه چندان دور باشد.

۶۱ سال فریب و نیرنگ، تحقیر و آوارگی، پایین آمدن سطح زندگی ملت، بی ارزش شدن جان آدمها، دزدیدن هویت ملی و جایگزینی آن با خرافه‌های مذهبی، عدم امنیت جانی و اقتصادی، تاخت زدن فرهنگ و شرف ملی با عرب پرستی و ...! نگذاریم امروز؛ بار دیگر ما را بفریبند تا آینده ما و فرزندانمان را نیز بدزدند. آینده را می‌توانیم با نیروی اراده، افزایش آگاهی و خرد جمعی، همبستگی ملی و ... بسازیم. آینده را با الکی خوش بودن، امیدهای واهی و رویاپردازی نمی‌سازند. آینده ایران به دست فرزندان پاک و میهن پرستش و به رهبری شهردار میهن و در روند مبارزه ای جانانه علیه اشغالگران و چپاولگران حاکم ساخته خواهد شد.

**به جریان مبارزه بپیوندید؛ پیروزی از آن ماست، زیرا برای رهایی میهنمان می‌رزمیم.**

**ملت آگاه و رنج‌دیده ایران؛ بکوشیم تا با همدلی و همبستگی ملی و برپایی شبکه های مردمی در هر کوی و برزن، این جنگ خانمانسوز را به انقلابی ملی و سرنگونی این رژیم غارتگر تبدیل کنیم!**

**باید در مبارزات مردم در هر شکل و سطحی که هست شرکت جوییم و آن را ارتقا بخشیم!**  
**پیش بسوی سازماندهی مبارزات ملی-انقلابی ملت ایران ایران!**

**padeshahi1339@hotmail.com**

**برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران!**

هر آنچه که در این فراخوان چاپ می‌شود، دیدگاههای شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدا هیچ مسئولیتی متوجه شهردار میهن، شاهزاده رضا پهلوی و دیگر جریانهای سیاسی هوادار سامانه پادشاهی نیست!